

حضرت علی اکبر علیه السلام الگوی کامل در تربیت دینی جوانان

دکتر فاطمه سادات علوی علی آبادی^۱

چکیده

هنگامی که امام حسین علیه السلام در قیام بر ضد یزید تصمیم گرفت مدینه را به سوی مکه ترک کند، در نامه‌ای به بنی‌هاشم، انتهای راه را «شهادت» تصویر کرد. علی بن‌الحسین (علی اکبر) با علم به فرجام این راه بی‌بازگشت، امام خود را در این سفر همراهی و همیاری نمود. این نوشتار به روش توصیفی - تحلیلی، در پی بررسی نقش الگویی حضرت علی اکبر علیه السلام در تربیت دینی جوانان است. بنیاد فرضیه پژوهش آن است که الگوپذیری از علی اکبر، در «تربیت دینی» جوانان تأثیری بسزا داشته و دارد. یافته‌های پژوهش حاکی که نام و یاد علی اکبر، الگوی ولایت‌مداری برای جوانان ایرانی و موجب تقویت امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران و تحکیم جایگاه «ولایت فقیه» در جامعه اسلامی است.

واژگان کلیدی: علی بن‌الحسین (علی اکبر علیه السلام)، جوانان، تربیت دینی، الگوی تربیتی، ولایت‌مداری.

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (fsalavi2014@gmail.com)

معنا و مفهوم « تربیت دینی »

تربیت از ریشه «ربو» و در لغت به معنای «زیاد شدن، رشد کردن و بزرگ شدن» است (ابن منظور، بی تا، ۱۱۹ / ۱۵). «تربیت» در لغت نامه دهخدا، به معنای «پروردن، آداب اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۶۶۰۱-۶۶۰۲). شهید مطهری، تربیت را «پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعداد های درونی که در شیء نهفته است» برمی شمرد (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۱). معنای اصطلاحی تربیت، «ایجاد تغییرات مطلوب و تحولات ثمربخش در محیط زندگی انسان به منظور ساختن او و شکفتن استعدادهایش» است (قائمی، ۱۳۷۰: ۱۰۱). در اصطلاح مریبان علوم تربیتی، تربیت عبارت است از «فعالیتی هدفمند میان مربی و متربی، به منظور کمک به متربی در جهت شکوفایی قابلیت ها و استعداد های وی و پرورش شخصیت او در ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، عقلانی، عاطفی، جسمانی و...» (همت بناری، ۱۳۸۳: ۵۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف ارزشمندی تربیت در ایام جوانی فرمود:

آن کس که در جوانی بیاموزد، آموزشش به منزله نقش در سنگ است (ثابت و پایدار می ماند) و آن کس که در بزرگسالی بیاموزد، آموزشش به منزله نوشتن روی آب است. (حسینی راوندی، بی تا: ۱۸)

امام علی علیه السلام تأثیر بی نظیر تربیت در جوانی را چنین تأیید فرمود:

دل جوان همچون زمین ناکشته است؛ هر چه در آن افکنند بپذیرد. (شریف رضی، ۱۳۶۸: نامه ۳۱، ۲۹۷)

در همین باره امام صادق علیه السلام به ابی جعفر احوال فرمود:

به جوان ها بیشتر توجه کنید؛ زیرا جوانان به هر خیر و خوبی شتابان ترند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۳/۸)

«تربیت دینی» عبارت است از مجموعه اعمال عمدی و هدف دار به منظور آموزش

گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر؛ به نحوی که آن افراد در عمل و نظر، به آن آموزه‌ها متعهد و پای بند گردند (داوودی، ۱۳۸۴: ۱۷). فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در خصوص بُعد دین‌داری وی که به واسطه عامل انسانی دیگر، به منظور دست‌یابی او به کمال دین‌داری و شکوفا کردن استعدادها یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای دینی وی صورت می‌گیرد (اعرافی و حسین پناه، ۱۳۹۳: ۲۹).

«تربیت دینی» در جوانان از دو جنبه اهمیت فراوان دارد:

الف) اراده جوان، قوی و توان مخالفت او با امیال و تمایلات نفس، بالاست.

ب) اخلاق فاسد و عادت‌های غلط، کمتر در رفتار او اثر کرده و ریشه دوانده و به راحتی قابل تغییر است (بنایی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

این دو جنبه باعث شده است امام خمینی علیه السلام تمام روی سخن خویش را به جوانان متوجه کند و بارها یادآور این نکته شود که جوانان باید دوران جوانی را غنیمت شمارند و در همین ایام به اصلاح خویش پردازند (خمینی، ۱۳۷۷: ۱۵۷).

الگوی تربیتی و تأثیر آن در تربیت دینی

معنای لغوی «الگو» را «مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال و نمونه» دانسته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳/۳۲۴۸). اصطلاح الگوی انسانی، نشان دهنده شخصیتی است که دیگران او را در پی‌مودن راه تربیتی و اخلاقی، پیشگام قرار می‌دهند و مانند او مسیر زندگی را می‌پیمایند و دوست دارند گام در جای پای او بگذارند (صداقت، ۱۳۹۱: ۳۷).

الگوگیری، از روش‌های تربیت و تغییر رفتار در روان‌شناسی است که در آیات و روایات بر آن تأکید شده است؛ چنان‌که خداوند در قرآن کریم، حضرت ابراهیم و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را الگوی اهل ایمان دانسته (احزاب: ۲۱؛ ممتحنه: ۴) و مؤمنان را به پیروی از ایشان، توصیه نموده است. به سبب اهمیت فراوان الگو برداری در تربیت و زندگی انسان‌ها، امام حسین علیه السلام در سخنرانی روز عاشورا فرمود:

... فَلَكُمْ فِي أُسْوَةٍ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَنَقَضْتُمْ عَهْدَكُمْ، وَخَلَعْتُمْ بِيَعْتِي مِنْ أَعْنَاقِكُمْ، فَلَعَمْرِي مَا هِيَ لَكُمْ بِنُكْرٍ لَقَدْ فَعَلْتُمُوهَا بِأَبِي وَأَخِي وَابْنِ عَمِّي مُسْلِمٍ....

این سخن شریف، بیانگر آن است که امام حسین علیه السلام خود را «الگو در زمینه‌های مختلف تربیتی بخصوص ستیز با ظلم» معرفی نمود؛ در حالی که می‌دانست مخاطبانش نقض عهد کرده‌اند. بنابراین مسلم است که این «الگو بودن» برای کسانی که نمی‌پذیرند بی‌اثر بود و از این‌رو به نظر می‌رسد امام در صدد معرفی الگو برای آیندگان بود تا از این قیام مقدس و انسانی و الهی، الگو بردارند؛ همان‌گونه که بسیاری از مسلمانان و غیر مسلمانان با الگو گرفتن از قیام حسینی، در برابر ستم ایستادند و به عزت و سرافرازی دست یافتند (صداقت، ۱۳۹۱: ۴۰).

در کربلا برای تمام انسان‌ها، الگوهای بی‌بدیل وجود داشت؛ الگوهایی مانند «زهیر» برای پیران، «جون» برای بردگان، «وهب» مادر و همسرش» برای تازه مسلمانان، «حضرت زینب و دیگر زنان قهرمان حاضر در کربلا» برای زنان و الگویی مانند علی بن الحسین (علی اکبر) برای جوانان، هم‌چنان تأثیرگذاری خود را در عرصه «تربیت دینی» حفظ نموده‌اند که برخی نموده‌های عینی آن را همه ساله در ایام عزاداری حسینی شاهدیم. در ادامه به تبارشناسی علی بن الحسین (علی اکبر) و بررسی نقش الگویی ایشان در تربیت دینی جوانان خواهیم پرداخت.



تبارشناسی علی بن الحسین (علی اکبر علیه السلام)

علی اکبر، نخستین فرزند پسر امام حسین علیه السلام بود. علت نامیده شدن او به «علی بزرگ‌تر» این بود که امام حسین علیه السلام به دلیل شدت علاقه‌ای که به نام پدر بزرگوارش داشت، نام سه فرزند پسر خود را «علی» گذاشت. از این جهت اولی به «علی بزرگ‌تر» و دومی به «علی میانه» و سومی به «علی کوچک‌تر» معروف شدند (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۳۱۵). مادر علی اکبر، لیلی دختر ابو مروه فرزند عروه بن مسعود ثقفی و کنیه ایشان، ابوالحسن بود (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۴۰). درباره سن علی اکبر در هنگام شهادت در کربلا، اختلاف نظر وجود دارد و تا بیست و هشت سال نیز گزارش شده است؛ لیکن بنا بر نظریه مشهور - که ایشان بزرگ‌تر از امام زین العابدین علیه السلام بوده است - و با عنایت به این که امام

زین العابدین علیه السلام هنگام واقعه عاشورا، بیست و سه سال داشته، باید سن علی اکبر، بیش از این باشد و لذا گزارش های مبنی بر «ولادت وی در زمان خلافت عثمان» و بیست و پنج ساله بودن وی در وقت شهادت»، درباره سن ایشان، واقع بینانه تر به نظر می رسد (محمدی ری شهری، ۱۴۳۰: ۳۲۳).

در زیارت آن جناب که از امام صادق علیه السلام روایت شده است چنین می خوانیم:

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى عَتْرَتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ وَأُمَّهَاتِكَ الْأَخْيَارِ
الْأَبْرَارِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً. (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۲۳۹)

این فرمایش امام صادق علیه السلام بیانگر آن است که علی بن الحسین (علی اکبر) خانواده و فرزند داشته است؛ هر چند که از نسل و اعقاب ایشان، نشانی در دست نیست و ظاهراً این نسل، استمرار نیافته است (مقرم، ۲۰: ۱۴۰۶).

درباره دوران کودکی علی اکبر، روایتی نقل شده که گویای اعجاز و کرامت و تربیت او در دامان حسین بن علی علیه السلام است. در کتاب ضیاء العالمین از «زفیر بن یحیی» و او از «کشیرین شاذان» گزارش نموده که گفت:

خودم شاهد بودم که علی اکبر در غیر فصل مناسب، از پدر بزرگوارش، انگور طلب کرد. ناگاه امام حسین علیه السلام با دست به کناره دیوار مسجد زد که انگور و موزی از آن خارج شد؛ پس فرزند خود را از آن خوراند و فرمود: ما عند الله لاولیاءه اکثر. (شیرازی، ۱۴۲۱: ۲۵۹)

از ویژگی های اخلاقی علی اکبر علیه السلام چنین نقل شده است که هر شب بر بام خانه، شعله آتشی بر می افروخت تا مستمندان و بیچارگان و بی پناهان، به سوی شعله های کرامت و سخاوت او بیایند و پای سفره اطعام و مهمان نوازی اش بنشینند؛ همزم میهمان نوازی اش را آن چنان زیاد می کرد که هر فقیر و درمانده ای از دورترین نقطه آن را ببیند و نظرش را جلب کند؛ علی اکبر علیه السلام آن قدر در این صفت مشهور شد که به «نار القری: آتش فروزان» مدینه لقب گرفت و شاعران عرب به مدح او پرداختند (اصفهانی، ۱۴۲۸: ۴۶):

لم تری عین نظرت مثله من محتف یمشی ومن ناعل

یغلی نئی اللحم حتی اذا
 كان اذا شبت له ناره
 کیمایراه بائس مرممل
 اعنى ابن لیلی ذا السدی والندی
 لایوثرالدنیا علی دینه
 و«ملاحت بیان» و«خوبی اخلاق»،
 به اعتقاد صاحب نظران سه ویزگی «حسن جمال»
 سرچشمه تمام ملکات فاضله است واین سه خصلت در پیغمبر اسلام ﷺ به سرحد
 کمال رسیده بود (قرنی گلپایگانی، ۱۳۴۴: ۳۱۶). از این رو خداوند درباره او فرمود:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾. (قلم: ۴)

پس از آن حضرت ﷺ، این سه خصلت در احدی مجتمع نشد، مگر درباره علی اکبر
 که امام حسین علیه السلام درباره او فرمود:

اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَي هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهُ النَّاسِ خَلْقًا وَخُلُقًا وَمَنْطِقًا
 بِرَسُولِكَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَى وَجْهِهِ. (ابن طاووس، ۱۳۹۲: ۱۳۲)

علی بن الحسین علیه السلام (علی اکبر)، الگوی ولایت مداری برای جوانان

مفهوم «ولایت مداری» این است که به همان دلیل که در تفکر اسلام ناب محمدی
 وجود «ولی الله» و «حجة الله» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱ / ۴۶۸-۴۷۲) در زمین به عنوان رهبر
 راستین الهی، واسطه فیض الهی، مقتدا و اسوه عملی مردم دین دار و ولایت مدار ضرورت
 دارد (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۳۸؛ نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۱۶۴-۱۶۵)، پذیرش ولایت ولی و
 حجت خدا توسط مردم و گردن نهادن به حاکمیت و ولایت او نیز ضروری است؛ زیرا
 پذیرش ولایت اولیای خاص الهی (پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام) برابر است با پذیرش ولایت
 خدا، ایمان به توحید و گردن نهادن به معتقدات دینی و در نتیجه درآمدن در زمره
 مسلمانی و ورود در مسیر صراط مستقیم هدایت و رستگاری (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۸:
 ۲۰)؛ چرا که به تصریح قرآن کریم در آیات فراوان و از جمله در آیه الکرسی و نیز روایات معتبر،



انسان‌ها از دو حال خارج نیستند؛ یا مسلمان مؤمن ولایت‌مدارند و قرین هدایت و رستگاری حقیقی: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ یا فاسق و کافرند و تحت ولایت شیاطین و طاغوت و دچار گمراهی و نگون‌بختی: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۲۵۷).

تسلیم و اطاعت از امام و تأکید بر حق‌مداری و دفاع از حق تا ایثار جان (هنگام شنیدن خیر شهادت در مسیر کربلا از پدر بزرگوارش)، اذان گفتن برای اقامه جماعت به امامت امام حسین علیه السلام در جریان برخورد سپاه حربا کاروان امام علیه السلام، پاسداری از خیام حرم و آب‌رسانی به خیمه‌ها در شب عاشورا، همراهی با امام حسین علیه السلام در دیدار با ابن‌سعد، بیعت مجدد با امام حسین علیه السلام و اعلام آمادگی در دفاع از آن حضرت (در شب عاشورا)، داوطلب شدن برای شهادت پیش از دیگر بنی‌هاشم، رد امان‌نامه دشمن، حماسه‌سرایی و جهاد و شهادت در پاسداری از ولایت، نمونه‌های ولایت‌مداری حضرت علی‌اکبر علیه السلام است که در ادامه به تبیین برخی مؤلفه‌های آن خواهیم پرداخت:

بصیرت

معنای لغوی «بصیرت»، «علم، عبرت و حجت» است و در اصطلاح قرآنی، آن را به معنای «رؤیت قلبی و باطنی» دانسته‌اند (نک. قرشی بنایی، ۱۳۸۱: ماده بصر). ابن‌منظور «بصیرت» را به معنای عقیده قلبی، معرفت قلبی، زیرکی، هوشمندی، علم، آگاهی، شناخت و مانند آن دانسته است (ابن‌منظور، بی‌تا، ۴ / ۶۵)؛ اما «بصیرت دینی» نوع خاصی از آگاهی و شناخت است که صرف شناخت نظری و فکری نیست؛ بلکه نوعی معرفت قلبی و شناخت درونی است که از راه‌های عبادت، تقوا، تفکر و تدبر به دست می‌آید:

... رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ...؛ (شریف رضی، ۱۳۶۸: خطبه ۱۰۳، ۹۵)

خدا بیامرزد مردی را که بیندیشد و پند گیرد؛ و پند گیرد و بپذیرد ...

در همین راستا صرف ایمان و عمل تعبدی و خالی از بصیرت نیز ارزش چندانی ندارد و انسان مؤمن و باتقوای بی بصیرت نیز راه به جایی نمی برد. از این رو، ایمان و عمل، زمانی ارزش حقیقی خود را دارد و تأثیرگذاری مطلوب را به جای می گذارد که با معرفت و بصیرت دینی همراه و آمیخته باشد. این جاست که رابطه ناگسستنی میان ولایت و ولایت مداری و بصیرت دینی، آشکار می شود؛ زیرا بدون معرفت و درک درست از ولایت ائمه و شناخت دقیق جایگاه ولایت مداری آنان، نمی توان به درک و شناخت درستی از خدا دست یافت و شالوده یک ایمان راستین و استوار را پایه ریزی نمود (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۸: ۲۱).

افراد ولایت مدار و ولایت پذیر باید در امر دین و شناخت صفات الهی، آگاهی نسبت به احوال دنیا و آخرت و نیز شناخت کامل نسبت به حجت خداوند، بصیرت داشته باشند (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۳: ۹۳)؛ چرا که بی بصیرتی، پیروان ولایت را از ولی خدا جدا می کند؛ چنان که در جنگ جمل، برخی با همه شناختی که از فضایل و مقام معنوی آن حضرت داشتند در حقانیت و مشروعیت این جنگ دچار تردید شدند و از امیرالمؤمنین خواستند ایشان را به جایی بفرستند که یقین داشته باشند با کفار می جنگند! امام علی علیه السلام نیز آنها را به سرحدات فرستاد (نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۰/۲).

آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، فرزند ارشد امام حسین علیه السلام را الگوی تمام عیار «بصیرت دینی» برای جوانان دانسته است:

... اما بعد برهر آن که از بصیرت و اندیشه برخوردار است جلالت آن بزرگ و بزرگ زاده، یگانه روزگار و خلف صالح خاندانی عظیم الشان، اسوه فضل و خرد، اعجوبه دوران و معدن عزت و شرف و آن که مادر زمانه دیگر از تولد شهزاده ای به سان او عقیم است، پوشیده نیست؛ سرورمان ابوالحسن علی اکبر را می گویم؛ شهید دشت نینوا و زاده ریحانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و پاره جگر و آرامش جان او، یعنی امام همام، مولایمان اباعبدالله الحسین سالار شهیدان... (مقرم، ۱۴۰۶: ۷)

عقبه بن سمعان می گوید:

چون سحر آن شب که حسین علیه السلام ما را در منزلگاه «قصر بنی مقاتل» فرود آورد پدیدار شد، ما را به آب برداشتن دستور داد. سپس به راه ادامه دادیم. هنوز اندکی پیش نرفته بودیم که حضرتش را بر بالای مرکب، خوابی کوتاه فراگرفت. چون بیدار شد فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و این جمله را سه بار تکرار نمود. فرزندش علی اکبر خود را به ایشان رساند و گفت: فدایت شوم، علت چه بود که کلمه‌ی استرجاع بر زبان رانیدید و خدا را حمد کردید؟ امام علیه السلام فرمود: خوابی کوتاه مرا فراگرفت؛ سواری را دیدم که راه را بر من گرفت و گفت: این قوم حرکت می‌کنند و مرگ هم آهنگ آنها را دارد. دانستم که گفته‌ام او متوجه ماست و مرگ در تعقیب ما می‌باشد. علی اکبر علیه السلام گفت: همواره از گزند روزگار در امان باشی؛ مگر ما بر حق نیستیم؟ حضرت فرمود: بله، سوگند به کسی که بازگشت همگان به اوست، ما بر حقیق. علی اکبر علیه السلام عرضه داشت: «بعد از این که ما بر حقیق چه بیمی از مرگ داریم؟» امام حسین علیه السلام از این سخن شایسته‌ی فرزندش بسیار خرسند شده و فرمود: «خدا به تو پاداش دهد؛ بهترین پاداشی که فرزند را از پدرش عنایت می‌فرماید.» (مفید، ۱۳۸۰: ۴۳۱)

محبت و اطاعت

دومین شاخصه‌ی ولایت‌مداری علی اکبر علیه السلام، اطاعت بی‌چون و چرای او از ولی‌ی خداست؛ اطاعتی مخلصانه و از روی آگاهی و براساس حُبّ به ولایت؛ همان گونه که خداوند درباره ولایت‌پذیری از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن نخواهند بود، مگر این که در اختلاف‌های خود، تو را به داوری طلبند و آن‌گاه از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند. (نساء: ۶۵)

در همین زمینه امیرالمؤمنین علیه السلام به مؤمنان ولایت‌مدار فرمود:

به اهل بیت پیامبرتان صلی الله علیه و آله و سلم نگاه کنید و به آن سوکه می‌روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید و اگر برخاستند برخیزید. بر آنها پیشی

مگیرید که گمراه می شوید و از آنان بازپس نمانید که تباه می گردید. (شریف رضی،
۱۳۶۸: خطبه ۹۷، ۹۰)

از سوی دیگر محبت، شالوده هر نوع ولایتی است؛ زیرا بدون کشش و علاقه قلبی، هیچ گونه پیوند و ارتباط معنوی و روحی برقرار نمی شود. اما محبت تنها یک علاقه قلبی ضعیف و خالی از اثر نیست؛ بلکه باید آثار آن، در عمل انعکاس یابد. مهم ترین آثار محبت عبارتند از حرکت آفرینی و پویایی، اطاعت پذیری، لذت بخشی انس با محبوب و کسب احساس آرامش، اطمینان و امید به آینده (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۳: ۹۵). از میان این آثار، تلازم «اطاعت» با «محبت» در ارتباط با بحث «ولایت مداری» قابل تبیین است؛ چنان که فرمایش قرآن کریم برایین تلازم دلالت دارد (آل عمران: ۳۱). به فرمایش خداوند متعال، آنان که پیوسته دم از عشق و محبت پروردگار و اولیای الهی می زنند، ولی رفتاری کاملاً مخالف با خواست و اراده خدا و اولیای او دارند مدعیانی دروغین بیش نیستند (نک. طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/ ۱۶۲-۱۸۷).

شیخ صدوق به نقل از عبدالله بن منصور، از امام صادق علیه السلام، از پدرش امام باقر علیه السلام، از جدش امام زین العابدین علیه السلام، چنین نقل می کند:

حسین علیه السلام در منزل رهیمة فرود آمد. عبیدالله بن زیاد، حربین یزید را با هزار سوار، در پی او فرستاد. حرب به هنگام نماز ظهر، به حسین علیه السلام رسید. حسین علیه السلام به فرزندش (علی اکبر) دستور داد تا اذان و اقامه گفت و حسین علیه السلام برخاست و به اتفاق هردو گروه، نماز گذارد... (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۵۴)

در شب عاشورا، علی اکبر علیه السلام همراه عمویش عباس و تنی چند از جوانان هاشمی، پاسداری از حرم را بر عهده داشت. امام حسین علیه السلام، به عمر سعد، پیام فرستاد: «می خواهم با تو گفت و گو کنم. امشب میان لشکر من و لشکر خودت، همدیگر را ببینیم». عمرین سعد، با بیست سوار و حسین علیه السلام نیز با همین تعداد، بیرون آمدند. هنگامی که یکدیگر را دیدند حسین علیه السلام به یارانش فرمان داد و آنان از او کناره گرفتند و تنها برادرش عباس و پسرش علی اکبر در کنارش ماندند (اخطب خوارزم، ۱۴۲۳: ۳۴۷). حضور



علی اکبر در کنار امام حسین علیه السلام در حساس ترین لحظات گفت و گوی فرماندهان دولشکر در کربلا، گواه نقش تأثیرگذار علی اکبر در حوادث کربلا و حضور ایشان به عنوان رکن اساسی در سپاه امام حسین علیه السلام در کربلا است.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا، خاندان و یاران خود را آزاد گذاشت تا با استفاده از تاریکی شب، بازگردند. اما علی اکبر هم صدا با دیگر بنی هاشم و اصحاب امام، آمادگی خود را در دفاع از پدر اعلام نمود و مانند در کنار حضرت را ترجیح داد (ابو مخنف، ۱۴۳۳: ۱۹۸).

امام حسین علیه السلام در سحرگاه عاشورا فرمان داد در اطراف لشکرش، گودالی شبیه خندق حفر شده و به دستور ایشان، پرازمهیزم شد. آن گاه پسرش علی اکبر را با سی سوار و بیست پیاده، برای آوردن آب فرستاد؛ در حالی که خطرهای بسیاری آنها را تهدید می کرد ... آن گاه امام حسین علیه السلام به یارانش فرمود: «برخیزید و آب بنوشید، که آخرین توشه شماس است؛ وضو بگیرید و غسل کنید و لباس های تان را بشویید که کفن های تان می شود» (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۵۶).

در روز عاشورا وقتی که از یاران، جز خاندان امام علیه السلام باقی نماند علی بن الحسین (علی اکبر) خدمت حضرت رسید - و اوزیبترین مردم و خوش اخلاق ترین آنها بود - و از پدرش رخصت کارزار خواست؛ حضرت به او اذن جهاد داد. از زیارات ناحیه مقدسه این گونه برمی آید که علی اکبر نخستین یاور امام علیه السلام از اهل بیت رسالت است که عازم میدان رزم شده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ نَسْلِ خَيْرِ سَلِيلٍ مِنْ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْحَلِيلِ.
(ابن طاووس، ۱۴۱۶: ۷۳/۳)

هنگامی که علی اکبر عازم میدان شد، امام حسین علیه السلام رو به آسمان کرده و فرمود:

بارالها، گواه باش جوانی که در صورت و سیرت و گفتار، شبیه ترین مردم به پیغمبرت بود به جنگ این مردم رفت؛ ما هرگاه به دیدن پیغمبرت مشتاق می شدیم به این جوان نگاه می کردیم. (ابن طاووس، بی تا: ۱۳۳)

همچنین فرمود: «خدایا! برکات زمین را از آنان بازدار، جمعیشان را به تفرقه و اتحادشان را به پراکندگی بدل ساز، آنان را به راه‌های گوناگون بدار و امیران را از ایشان هرگز راضی مساز. زیرا اینان ما را دعوت نمودند تا یاریمان کنند؛ و چون اجابت کردیم آنان با ما دشمنی نمودند و با ما به جنگ برخاستند». آن‌گاه حضرت علیه السلام روبرو به عمر سعد کرد و فریاد زد: «تورا چه شده؟ خداوند، رحم (نسل) تورا قطع کند و هیچ امر و آرزمانی را برای تو مبارک نفرماید و بر تو کسی را مسلط کند که تورا در رختخواب بکشد؛ چنان که تو رحم [نسل] مرا قطع نمودی و قرابت و خویشی مرا با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مراعات نکردی» (قزوینی، ۱۳۸۸: ۳۴۸).

صبر و استقامت

از جمله الگوهای بارز صبر، علی اکبر علیه السلام است که در روز عاشورا، جلوۀ باشکوهی از صبوری را به نمایش گذارد؛ هنگامی که علی اکبر وارد میدان شد، مردی فریاد برآورد: «ای علی! تو با امیرالمؤمنین (یزید) نسبت خویشاوندی داری و ما قصد ملاحظه و مراعات حال خویشان او را داریم؛ اگر بخواهید شما را امان می‌دهیم». ایشان در پاسخ فرمود: «مراعات خویشاوندی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حقیقت نزدیک‌تر است» (ابن عساکر، ۱۳۹۸: ۲۲۷).

پس از آن که علی اکبر، امان‌نامه سپاه ابن سعد را با بی‌اعتنایی رد کرد حملات پی در پی خود به آن قوم را با این شعار آغاز نمود (مفید، ۱۳۸۰: ۴۵۹):

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْنُ وَبَيْتُ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ
تَا اللَّهُ لَا يَحْكُمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِيِّ أَضْرَبُ بِالسَّيْفِ أَحَامِيَّ عَنِ أَبِي
ضَرَبُ غُلَامٍ هَاشِمِيٍّ قُرَشِيٍّ

در شعارهای حماسی علی اکبر علیه السلام، چند نکته قابل تأمل است: او نخست خود را معرفی فرموده است؛ پیوند با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بر خود اولی دیده تا پاسخی به امان‌آوردگان باشد؛ آن حرام‌زاده (ابن‌زیاد) را زشت شمرده است؛ اعلام نموده که هرگز تحت فرمان ابن‌زیاد نخواهد رفت؛ از پدرش حمایت خواهد کرد و با ابن‌زیاد جنگ و جهاد خواهد کرد؛

فخر خود را انتساب به پیامبر ﷺ، قبیله بنی هاشم و قریش دانسته تا حساب خود را از بنی امیه جدا سازد (آفاتهرانی، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

هنگامی که پس از کشتن ۱۲۰ قهرمان دشمن، به طلب جرعه‌ای آب به نزد پدر بازگشت و عرضه داشت: «تشنگی مرا کشت و سنگینی آهن توأم ربود. آیا به جرعه‌ای راهی هست که نیروگیرم و بر دشمن تازم؟» امام حسین ﷺ با این بشارت او را آرام ساخت که در آستانه ورود به دریای بیکران رحمت الهی است و ناخدای آن هم جدش رسول خدا ﷺ است که با جام مصفایش او را سیراب خواهد ساخت، آن سان که دیگر هرگز تشنه نگردد. علی اکبر با تبعیت کامل از امام ﷺ، به میدان شتافت و با شجاعت جنگید تا آن که شمشیر مره بن منقذ عبیدی به سراو اصاب نمود و ضربت نیزه، پشت او را مجروح ساخت؛ علی غرقه به خون، دست برگردن اسب آویخت و اسب، او را به لشکرگاه دشمن برد و دشمنان او را قطعه قطعه کردند؛ در لحظات آخر، ضمن عرض ارادت به امام خود، تحقق وعده آن حضرت ﷺ را بشارت داد: «این جدم است که بر شما سلام رسانده و می گوید: گام هایت را تندتر به سوی ما بردار» (ابن طاووس، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

امام خمینی ﷺ در لزوم الگوپذیری از اولین جوان شهید آل الله در کربلا فرمود:

... وقتی که ما برای اسلام و برای احیای سنت پیغمبر ﷺ و اقامه عدل به پا خاستیم نباید از این بترسیم که از ما شهید [می شود] شهادت پیدا می کند؛ اولادمان شهید می شوند، خودمان شهید می شویم. این یک سیره‌ای بوده که در اسلام، از اول بوده. از اول پیغمبر خدا ﷺ و ائمه ما ﷺ فداکاری کردند، شهادت نصیبشان شد، اولاد دادند. حضرت علی بن الحسین (علی اکبر) به پدر بزرگوارشان عرض می کند که [مگر] ما به حق نیستیم؟! می فرماید: چرا، ما به حقیقیم. می فرماید: پس، از مردن نمی ترسیم (لا نبالی بالموت). کسی باید از مردن بترسد که خیال کند بعد از مُردن، خبری نیست؛ همه اش همین است ... زندگی انسانی در یک عالم دیگری، بالاتر از این جاست؛ این دیگر ترسی ندارد، خوفی ندارد. انسان از این محل به محل دیگری منتقل می شود که بهتر از این جاست ... (خمینی، ۱۳۷۸: ۲۷۶/۷)

ارزش معنوی این الگوی بی بدیل عاشورایی، تا آن اندازه است که پدر بزرگوارش با آن مقام عصمت و امامت، زندگی پس از او را «فنا و مرگ» و زیستن با او را «حیات واقعی» دانست:

قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوكَ، مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى اللَّهِ وَعَلَىٰ إِنْتِهَاكِ حُرْمَةِ رَسُولِ اللَّهِ، عَلَى الدُّنْيَا
بَعْدَكَ الْعَفَاءُ؛ (ابن طاووس، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

خدا هلاک کند قومی که تو را کشتند؛ چقدر در مقابل خدا و شکستن حرمت رسول خدا ﷺ، گستاخی کردند! بعد از تو، خاک بر سر دنیا.

قیام اباعبدالله الحسین علیه السلام و فرزندان و یاران با وفایش، سرمشق آزادگی و عزتمندی برای شیعیان و برای تمام آزادگان جهان بوده و هست. در همین راستا جوانان ایران با اقتدا به سرور و سالار شهیدان و الگوپذیری از شبه پیغمبر (علی الاکبر)، به دفاع از ولی فقیه (امام خمینی علیه السلام) پرداختند و او را که جانشین امام عصر علیه السلام بود یاری نمودند؛ به دستور او با مال و جان، برضد دشمنان اسلام و ایران به پا خاستند و تا آخرین قطره خون، از خط سرخ ولایت پاسداری نمودند. ملت ایران با تقدیم هزاران شهید جوان ولایت مدار و حزب اللهی، درخت اسلام را بارور نمودند تا سرانجام دست یزیدیان زمان، از ایران کوتاه شد و انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. پس از پیروزی انقلاب، وقتی ایران اسلامی با هجوم بی رحمانه رژیم بعث عراق و حامیان استکباری اش مواجه شد، همین جوانان حزب اللهی و ولایتی بودند که ندای رهبر و ولی فقیه خود را لبیک گفته و به جبهه ها شتافتند و با تمام قوای فکری و جسمی در خدمت دفاع از اسلام و انقلاب برآمدند؛ وقتی پس از هشت سال دفاع قهرمانانه، رهبر فرزانه، دستور آتش بس صادر نمود، باز هم همین جوانان عاشورایی، فرمان رهبر را با جان و دل پذیرفتند و با اتمام جنگ مسلحانه، مبارزه را در سنگر علم، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... ادامه دادند.

به نظر می رسد تا وقتی که فرهنگ عاشورا در بین مردم ایران، جاری است و تا زمانی که آیین های بزرگداشت و تعظیم شعائر حسینی، مانند هیئت های عزاداری و مجالس و عظم و خطابه و... جوانان و آینده سازان این مملکت را با اهداف قیام امام حسین علیه السلام و یارانش

آشنا می‌سازند و تا هنگامی که جوانان ولایت‌مدار ایرانی، الگوهای عاشورایی مانند حضرت علی اکبر را سرمشق خود قرار می‌دهند و با رعایت مؤلفه‌های ولایت‌مداری از جمله «بصیرت، محبت و اطاعت، صبر و استقامت»، میزان آگاهی خود را از مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جهان اسلام، در سطح مطلوب حفظ می‌نمایند. فتنه‌های فرهنگی یزیدیان در عرصه‌های مختلف، تأثیری در «تربیت دینی» جوانان ایرانی نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

در آن چه گذشت نقش الگویی علی بن الحسین (علی اکبر) در تربیت دینی جوانان مورد بررسی قرار گرفت. علی اکبر، فرزند ارشد اباعبدالله، حسین بن علی علیه السلام است که در کربلا، از یاران و سرداران سپاه آن حضرت بود و پس از شهادت یاران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، ایشان اولین شهید از خاندان بنی هاشم بود که داوطلبانه پای در رکاب گذاشت و امان‌نامه یزیدیان را رد کرد و تا آخرین قطره خون، از امامت و ولایت پدر بزرگوارش پاسداری نمود. ولایت‌مداری و ولایت‌پذیری علی اکبر در واقعه عاشورا، بزرگ‌ترین درس برای جوانان است که در مؤلفه‌های «بصیرت، محبت و اطاعت، صبر و استقامت» نمود یافته است. مادران و پدران ایرانی که عشق به اهل بیت علیهم السلام و لزوم اطاعت و محبت ایشان را جزئی از «تربیت دینی» فرزندان خود می‌دانند هر زمان که اسلام و آرمان‌های نهضت حسینی در خطر بوده است با اخلاص و فداکاری، فرزندان خود را برای دفاع از اسلام، بسیج نموده‌اند که مصداق عینی آن را در عصر حاضر و در ایام مبارزات مردم شریف ایران با نظام سلطه شاهنشاهی و سپس در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، شاهد بودیم.

به نظر می‌رسد نام و یاد حضرت علی اکبر علیه السلام، الگوی «تربیت دینی» جوانان ایرانی است و این الگوپذیری از دو جنبه مستقیم و غیرمستقیم محقق می‌شود. بخشی از «تربیت دینی» جوانان در مجالس تعزیه و سخنرانی ویژه ایام محرم و صفر، از طریق آشنایی ایشان با شخصیت و منش و رفتار حضرت علی اکبر حاصل می‌شود؛ اما بخش مهم «تربیت دینی» جوانان، تربیت غیرمستقیم دینی است که از طریق تشبیه حاصل

می‌شود؛ چرا که جوانان علاقه‌مند هستند خود را شبیه قهرمانانی بسازند که هم سن و سال خودشان باشد و شرایط و اقتضائات فرهنگی و مذهبی آنان را داشته باشند؛ از آن جاکه علی‌اکبر، «قهرمان جوان عرصه جهاد و شهادت در راه دفاع از ولایت» است جوانان ولایت‌مدار ایرانی، که از دل خانواده‌های عاشورایی برخاسته‌اند سعی می‌کنند خود را در علم و عمل، به شبه پیغمبر (علی‌اکبر)، شبیه نمایند. نتیجه این الگوپذیری، حضور مستمر جوانان ایرانی در عرصه‌های مختلف دفاع از آرمان‌های اسلام و پاسداری از فرهنگ عاشورا و نهضت سرخ حسینی است؛ این حضور ولایت‌مدارانه، موجب تقویت امنیت نظام جمهوری اسلامی ایران و تحکیم جایگاه «ولایت فقیه» در جامعه اسلامی است.



منابع

- ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۸ش)، «ولایت مداری و بصیرت دینی»، حصون، ش ۲۲، ص ۱۶-۳۵.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۹۲ش)، اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه: مهدی رمضان، مشهد، جوان یاوران.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، الاقبال بالاعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن عساکر، علی بن الحسین (۱۳۹۸ق)، ترجمه ریحانة رسول الله الامام الحسين عليه السلام من تاريخ مدینه دمشق، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت، مؤسسه المحمودی، چاپ اول.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف، مطبعة المباركة المرتضوية.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، ج ۴ و ۱۵، بیروت، دار صادر.
- اخطب خوارزم، موفق بن احمد (۱۴۲۳ق)، مقتل الحسین، تحقیق: محمد سماوی، قم، انوار الهدی.
- ازدی، ابومخنف لوط بن یحیی (۱۴۳۳ق)، وقعة الطف، تصحیح: یوسفی غروی، بیروت، مجمع جهانی اهل بیت عليهم السلام.
- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین (۱۴۲۸ق)، مقاتل الطالبیین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- اعرافی، علیرضا و علی حسین پناه (۱۳۹۳ش)، «نقش نخبگان دینی در تربیت دینی»، اسلام و پژوهش های دینی، ش ۱۱، ص ۲۵-۴۴.
- ایزدپناه، عباس (۱۳۷۶ش)، «ولایت عاشورایی امام خمینی علیه السلام و تداوم انقلاب اسلامی»، مجموعه مقالات دومین کنگره بین المللی امام خمینی علیه السلام و فرهنگ عاشورا - دفتر دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ص ۸۳-۱۰۳.

- آقاهانی، مرتضی (۱۳۸۴ش)، *یاران شیدای حسین بن علی* علیه السلام، قم، نشر میم.
- بنایی، سید حسن (۱۳۸۲ش)، «مبانی اندیشه های تربیتی امام علیه السلام»، امام خمینی و اندیشه های اخلاقی، عرفانی (مقالات اخلاقی ۱)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ص ۵۹-۱۲۳.
- حسین شیرازی، عبدالمجید (۱۴۲۱ق)، *ذخیره الدارین فیما يتعلق بمصائب الحسین و اصحابه* علیهم السلام، تحقیق: باقر دریاب، قم، تحسین، چاپ اول.
- حسینی راوندی، ضیاءالدین فضل الله بن علی، *النوادر*، قم، مؤسسه دارالکتاب.
- خارستانی، اسماعیل و فاطمه سیفی (۱۳۹۳ش)، «جایگاه ولایت پذیری و ولایت مداری در اسلام و عوامل مؤثر بر تحکیم آن مبتنی بر قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام»، *سراج منیر*، ش ۱۷، ص ۸۵-۱۰۶.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۷ش)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه امام*، ج ۷ و ۲۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- داوودی، محمد (۱۳۸۴ش)، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *لغت نامه دهخدا*، ج ۳ و ۵، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم از دوره جدید.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۸ش)، *المفردات فی الفاظ القرآن*، ترجمه: خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۶۸)، *نهج البلاغه*، ترجمه: دکتر سید جعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صداقت، محمد عارف (۱۳۹۱ش)، *آثار تربیتی و جلوه های اخلاقی قیام عاشورا*، قم، المصطفی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الامالی*، ترجمه: کمره ای، تهران، کتابچی.

- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ش)، ترجمه کتاب الغیبه، ترجمه: مجتبی عزیز، قم، جمکران.
- قائمی، علی (۱۳۷۰ش)، پرورش مذهب و اخلاقی کودکان، تهران، امیری، چاپ چهارم.
- قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۳۸۱ش)، قاموس قرآن، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- قرنی گلپایگانی، علی (۱۳۴۴ش)، منهاج الدموع، قم، مؤسسه مطبوعاتی دین و دانش.
- قزوینی، رضی الدین بن نبی (۱۳۸۸ش)، تظلم الزهراء من اهراق دماء آل العباء: تاریخ جامع زندگانی امام حسین علیه السلام، ترجمه: علیرضا رجالی تهرانی، قم، خادم الرضا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ش)، اصول کافی، ج ۱، تحقیق: مهدی آیت اللهی، تهران، جهان آرا.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۳۰ق)، دانش نامه امام حسین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، ج ۱، قم، دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵ش)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، چاپ دهم.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۰ش)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه: محمد باقر ساعدی خراسانی، تصحیح: محمد باقر بهبودی، تهران، اسلامیه.
- مقرر، عبدالرزاق (۱۴۰۶ق)، در شناخت فرزندان واصحاب امام حسین علیه السلام، علی اکبر، سکنینه خاتون، مسلم بن عقیل، تهران، بنیاد فرهنگی کلینی.
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، قم، مؤسسه آل البيت.
- همت بناری، علی (۱۳۸۳ش)، تعامل فقه و تربیت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چاپ اول.

